

مشروطه‌خواهان، در محلات دوه چی و سرخاب، انجمن‌هایی تشکیل دادند و به مقابله با طرفداران مشروطیت و خنثی ساختن تلاش‌های آنان پرداختند که نتیجه آن دسته‌بندی توده مردم به پیروان بزرگان شهر و پیروان سران نهضت بود.

روزنامه‌ها با مقالاتی در باره حکومت پارلمانی، آزادی، ضرورت میهن‌پرستی و حکومت قانون، در شور ناشی از شکل‌گیری حاکمیت قانون شریک شدند؛ ستیز با استعمار و بیگانگان از موضوعاتی بود که جراید آزادیخواه تبریز به آن توجه داشتند. همین امر موجب واکنش انگلیسی‌ها شد. در این دوره حد نظارت بر مطبوعات کم شد و برای نخستین بار گروه‌های مطبوعاتی ایجاد شدند و تیراژ مطبوعات افزایش چشم‌گیری یافت. برای فعالیت آزاد مطبوعات پس از صدور فرمان مشروطه، قانون‌نویسان مشروطه‌خواه که خود از اصحاب مطبوعات بودند و نیک می‌دانستند چگونه باید به آن بها داد، اصل سیزدهم قانون اساسی را به مطبوعات و چگونگی فعالیت‌های روزنامه‌نگاران اختصاص دادند و برای نخستین بار در ضمن این اصل، حق آزادی بیان و قلم برای ایرانیان محترم شمرده می‌شد.

با آغاز استبداد صغیر از خرداد ۱۲۸۷ شمسی، جراید که در اعلامیه‌های دربار سرمنشأ فساد خوانده شدند، تعطیل و تعدادی از مدیران جراید، چون میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک المتکلمین به قتل رسیدند. به این ترتیب، برخی از روزنامه‌نگاران از ایران گریختند و در استانبول و کلکته فعالیت خود را از سر گرفتند. روزنامه «تمدن» با همکاری مدیرالممالک مرندی و میرزا علی لیبیب در کلکته و روزنامه «سروش» به مدیریت محمدتوفیق و با همکاری علی اکبر دهخدا و یحیی دولت‌آبادی در استانبول، از جمله روزنامه‌های مهاجران بودند. فعالیت بیرون مرزی روزنامه‌نگاران ایرانی در استبداد صغیر، در لندن، پاریس، استانبول و ژنو متمرکز شده بود. فضای شهر تبریز نیز که مهم‌ترین کانون مقاومت مردمی و ضد استبدادی بود، منجر به تداوم انتشار روزنامه‌ها در این شهر شد. به هنگامی که در سراسر ایران روزنامه‌های نبود به جز روزنامه‌های دولتی در تهران، تبریز درست در گرماگرم جنگ‌های سرنوشت‌ساز خود، شاهد طبع و توزیع روزنامه‌های انجمن، آذربایجان، مجاهده اتحاد، حشرات الارض، امید، آزاد، اتحاد ملی، آنادولی، ناله ملت و ارگان انجمن مستبدان انجمن دوه چی آمل علی بوده است.

ولی بالاخره با مقاومت دلیرانه و طاقت‌فرسای مردم تبریز به رهبری ستارخان، گرد آزادی، در برابر

۲۰ هزار تن از قوای دولتی و نهایتاً فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان گیلانی و بختیاری و خلع محمدعلی شاه در ۲۵ تیر ماه ۱۲۸۸ (۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق. و برقراری مجدد حکومت مشروطه، از جراید رفع توقیف شد. به این ترتیب، پس از سقوط و خلع محمدعلی شاه از سلطنت، تنها در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ ه. ق. در حدود ۲۶ روزنامه در تبریز منتشر شده است که به طور کلی منعکس‌کننده فرهنگ و معتقدات دینی مردم محل خود بودند و نیز آگاه کردن مردم از چند و چون رویدادهای سیاسی و اجتماعی تهران و ولایات دور و نزدیک و به خصوص اوضاع شهر تبریز را وجهه همت خود قرار دادند. با فعالیت علنی احزاب سیاسی، روزنامه‌های حزبی به عرصه روزنامه‌نگاری راه یافتند. برپایی این روزنامه‌ها از سوی احزاب، جراید را در راستای سیاسی خاصی هدایت کرد.

البته این امر دیری نپایید و در پی اخطار دولت روسیه مبنی بر اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران و تعطیلی مجلس دوم از سوی دولت، بار دیگر مشروطه‌نویسان به مخاطره افتاد. این دوره که مقارن بود با زمامداری مطلق ناصرالملک، نایب‌السلطنه احمدشاه و تجاوز روس و انگلیس به مناطق شمالی و جنوبی ایران، حاکمیت فضای اختناق‌آمیز دوره استبداد صغیر را زنده کرد. نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی را که مخالف اخطار روسیه بودند، تبعید کردند و جراید دموکرات بسته شد.

پس از اشغال تبریز به دست روس‌ها در ۲۹ آذر ۱۳۹۰ شمسی (۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ق.) که به بهانه همان اخطار کذابی اتفاق افتاد، دوره فرمانروایی صمدخان شجاع‌الدوله در تبریز آغاز شد؛ در این دوره به جز چند روزنامه به زبان ارمنی که به طرفداری از روسیه تزاری منتشر می‌شد، انتشار سایر روزنامه‌ها موقوف شد و بیش از ۱۰۰ تن از آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان و روزنامه‌نگاران به بند کشیده و به دار آویخته شدند. پس از انقضای سلطه روس‌های تزاری و دارودسته شجاع‌الدوله مراغه‌ای در سال ۱۳۳۵ ق. تا پایان نهضت شیخ محمد خیابانی، نزدیک به ۲۰ روزنامه به زبان‌های فارسی، ترکی و ارمنی در تبریز منتشر شد. در زیر به چند نمونه از نشریات منتشره در تبریز، در دوره مشروطه اشاره می‌شود:

**تاریخ**

روزنامه ابلاغ جزء نشریاتی بوده که در سپیده‌دمان نهضت مشروطه در آذربایجان، توسط مشهدی محمود اسکندرانی، نویسنده روزنامه نظمیة تبریز، به خط نسخ ممتاز منتشر شده است؛ لازم به ذکر است که در حدود سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۹۰ (۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ قمری) با افزایش آگاهی‌های عمومی و ورزش نسیم آزادی، بیش از ۱۵۰ روزنامه و مجله در ایران منتشر شد که از جمله این مطبوعات روزنامه‌های تبریز بودند. شماره‌های اول و ششم آن در اختیار ادوارد براون بوده و به گفته وی فاقد تاریخ است. تاریخ فرهنگ آذربایجان سرلوحه آن را که در عین حال نشانگر هدف و خط‌مشی روزنامه است چنین نقل می‌کند: این جریده آزاد، از هرگونه مقالات نافع به حال ملت و دولت و فواید مشروطه سخن خواهد راند.

**احتیاج**

روزنامه احتیاج سومین روزنامه غیردولتی و مردمی پیش از صدور فرمان مشروطیت در تبریز به

مدیرمسئولی علیقلی صفروف است که تنها در هفت شماره منتشر شده است؛ علیقلی صفروف که در سال ۱۳۲۱ شمسی برای نخستین بار شب‌نامه را به صورت پنهانی منتشر کرده بود، این بار دست به انتشار هفته‌نامه احتیاج زد. بهای نشریه در تبریز هشت قران جدید و در دیگر نقاط ایران همین قیمت به علاوه هزینه پست و در قفقاز و روسیه ۲ منات و در هندوستان ۵ روپیه بود.

در سرلوحه روزنامه ذکر شده بود که «این نامه در صنایع و تجارت و مطالب مفیده ملی سخن خواهد گفت و اوراق مفیده به جهت درج در اداره به امضای نویسنده معتبر و کاغذهای بی‌امضا قبول نخواهد گردید». با این وجود با رویکردی انتقادی به بررسی مسائل و مشکلات جامعه می‌پرداخت و بنابراین پس از مدت کوتاهی، به دلیل چاپ مقاله‌ای انتقادی و طنزآمیز که در آن از نیاز ایرانیان به کالا و تولیدات بیگانه، حتی قوری چای سخن به میان آمده بود، توسط حس‌تعلی خان امیر نظام گروسی (پیشکار آذربایجان در دوره ولیعهدی محمدعلی میرزا) توقیف شد و علیقلی خان به کیفر توهین‌آمیز چوب و فلک محکوم شد.

صفروف دلیل عقب‌ماندگی ایرانیان را در احتیاج آنها به بیگانگان می‌دانست و از همین رو «احتیاج» در طول هفت شماره انتشار یافته خود، بیشتر به مسائل اقتصادی و به طور خاص درباره تجارت سخن رانده است.

**جدید (الجدید)**

دوره اول روزنامه جدید، توسط میرزا سیدحسین خان عدالت - ناشر روزنامه‌های، عدالت، خبر، صحبت و آنادولی - به سال ۱۳۲۶ ش. در سه شماره منتشر شده است. پس از آن به دلیل استخدام وی در دایره گذرنامه کنسول روسیه تزاری، انتشار روزنامه متوقف شد.

برای این شماره‌ها رضا رفعت مطالبی نوشته و نیز اشعاری از میرزا علی لعلی تبریزی (شمس الحکما) - دایبی حاج محمد نخجوانی - چاپ شده است؛ دوره دوم انتشار جدید، پس از ۸ سال فترت، به سال ۱۳۲۴ شمسی، یک سال پیش از صدور فرمان مشروطیت، به مدیریت سیدمحمد شبستری، ناشر روزنامه‌های مجاهد و ایران نو، آغاز شد؛ پس از انتشار ۱۸ شماره از روزنامه جدید در دوره دوم، با اضافه کردن حرف تعریف با نام جدید، منتشر شده است؛ در زیر سرلوحه روزنامه عبارت «این روزنامه از قید رسمیت آزاد است مکاتبات سودمند به حال دولت و ملت با کمال امتنان به امضای صاحب آن قبول خواهد شد.» درج شده است.

در شماره دوم دوره جدید آن به تاریخ پنجشنبه و جمادی الاول ۱۳۲۳ ق. (۲۲ تیر ۱۳۲۴) اخباری از اعلام مشروطه در چین و انتشار روزنامه نور به زبان ترکی در روسیه به چشم می‌خورد. عدالت از روشنفکران و پیشگامان آزادی خواهی است. در دوره استبداد، چهارمین مدرسه جدید به نام تربیت را در سال ۱۳۱۷ قمری، همراه برخی از روشنفکران در تبریز تأسیس کرد. عدالت به دلیل سال‌ها اقامت در روسیه، بیش از همه به مظاهر تمدن جدید چون توسعه دانش، تأسیس مدارس، شرکت زنان در کارهای فرهنگی و اجتماعی، استقرار حکومت عدل و انتشار مطبوعات معتقد بود. وی با زبان روسی و تمدن اروپایی آشنایی داشت و قریب به دو سال در پترزبورگ، مصاحب سیدجمال‌الدین اسدآبادی شده بود؛ پس از بازگشت به تبریز، به همراه سیدمحمد شبستری، تقی‌زاده و تربیت به تشکیل جلساتی برای نشر افکار جدید پرداختند؛ عدالت جزء اعضای فعال انجمن معارف بود که به منظور نگهداری، حمایت و تنظیم امور داخلی مدارس تبریز، تشکیل یافته بود. وی پس از مهاجرت به تهران، دست به انتشار روزنامه جدید در تهران زد.

